

۱۴۸۷۵۸۷

پر

رولوت مری ماتیسین

ترجمه: ایمنت دانا



انتشارات آسرو

تهران - ۱۳۹۵

سرشناسه: ماتسن، شارلوت مری، ۱۸۹۲ م. Matheson, Charlotte mary.
 عنوان و نام پدیدآور: پر/شارلوت مری ماتیسن؛ ترجمه میمنت دانا.
 مشخصات نشر: تهران: آسو، ۱۳۹۵. مشخصات ظاهری: ۲۶۰ ص.
 شابک: ۸-۸۳-۷۲۲۸-۶۰۰-۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیبا، یادداشت:
 عنوان اصلی: the feather یادداشت: کتاب حاضر توسط مترجمان و ناشران
 متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است. موضوع: داستان های انگلیسی -
 قرن ۲۰ م. موضوع: English fiction-20th century شناسه افزوده: دانا،
 میمنت، ۱۲۸۹ - ۱۳۵۸، مترجم. رده بندی کنگره: الف ۱۳۹۵
 ب۴/م۲۳ PZ۳ رده بندی دیویی: ۸۱۳/۹۱۴ شماره کتابشناسی:
 ۴۵۲۴۸۵۸

پر

شارلوت مری ماتیسن

مترجم میمنت دانا

ناشر: انتشارات آسو

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

شابک: ۸-۸۳-۷۲۲۸-۶۰۰-۹۷۸



خیابان دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۳۰

تلفن: ۶۶۴۱۲۵۶۳ - ۰۹۱۲۵۷۷۵۰۳۷

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

مقدمه‌ی مترجم

کتاب «پر» اولین ترجمه‌ی من است. بیش از آن‌چه من انتظار داشتم مردم کتاب دوست مرا به خاطر این ترجمه تشویق کردند و به من جرأت دادند که دست به ترجمه‌های دیگر بزنم. عده‌ای بر من خرده گرفتند که چرا نویسند را آن‌قدر که باید معرفی نکرده‌ام و از من خواستند که مقدمه‌ای بر این کتاب بنویسم و اینک که «پر» برای ششمین بار چاپ می‌شود می‌خواهم بر این خواسته جواب بدهم، ولی آن‌چه من اکنون می‌خواهم بنویسم درباره‌ی توانایی‌ها و رگ نویسنده و این‌که این کتاب به چند زبان ترجمه شده و نویسنده این کتاب نوشته نیست، بلکه شرح ماجراها و دلهره‌هایی است که ترجمه این کتاب برای خود من داشته است.

«چطور شد که شما دست به ترجمه زدید؟»

این سوالیست که از ابتدای انتشار کتاب «پر» در عرض این چند سال اغلب از طرف دوستان و یا روزنامه‌نگاران از من شده است. آن‌ها که مرا می‌شناسند، می‌دانند که تحصیلات و رشته‌ی کاری من با قدری از عالم نویسندگی و ادب دور است که این اقدام را از طرف من غریب می‌دانند، حق هم دارند. دنیای پزشکی، بهداشت، طب پیشگیری، بهره و سروکله‌زدن با پرستار و بیمار کجا و ترجمه و نویسندگی کجا؟

محرک اصلی من خود کتاب «پر» بود. من بعد از خواندن این کتاب، چنان تحت تأثیر لطافت آن واقع شدم که تا مدت‌ها در عالمی رویایی سیر می‌کردم و غمی سنگین اعصابم را تحت فشار قرار داده بود. به هر

کاری دست می‌زد و به هر جا می‌رفتم، شخصیت‌های کتاب «پر» مرا دنبال می‌کردند. راجر دالتون و عشق بی‌نظیر او، از خود گذشتگی‌ش، همان شخصیت ایده‌آلی بود که هر زنی در عالم رؤیا نقشش را در اعماق قلب خود می‌کشد و زیبایی ماویس و هنر آسمانیش از آن نوع زیبایی و هنری بود که نفس در سینه حبس می‌کند و انسان را خیره می‌سازد.

من می‌خواستم راجر و ماویس را با دوستانم آشنا کنم، می‌خواستم این شخصیت متمایز و دوست‌داشتنی را به مردم هنردوست و حساس معرفی نمایم. من نتوانستم نویسنده‌ی این کتاب را آن‌طور که شایسته است به مردم بشناسانم چون کتاب «پر» وقتی به دست من رسید که مقدمه‌ی آن پاره شده بود و من موفق نشدم منبعی به دست بیاورم که در شناساندن این نویسنده‌ی ظریف مرا یاری کند. بنابراین کوشیدم نویسنده را با معرفی قهرمانانش با مردم آشنا کنم، ولی وقتی که قلم را با دودلی و تردید به دست گرفتم از این وحشت داشتم که نتوانم حق نویسنده را ادا نمایم. شهرت و نام نویسندگان بزرگ برای کسانی که دست به ترجمه‌ی آثار آنان می‌زنند خود بزرگ‌ترین مشوق و دلگرمی است، ولی اطلاعاتی که من از این نویسنده داشتم فقط نام CM'matheson بود که در ابتدای کتاب به چشم می‌خورد.

امروز که من این چند سطر را به جای مقدمه‌ی چاپ ششم می‌نویسم قلبم آکنده از لطف و محبت دوستان دیده و نادیده‌است که مرا به خاطر ترجمه‌ی این کتاب تشویق نمودند. یکی از آن دوستان ادیب آقای جلال میزبان هستند که نامه‌ی پُر از لطف ایشان را در چاپ پنجم کتاب ملاحظه می‌فرمایید.

یکی از خوانندگان باذوق عکس بسیار زیبای پری را در کاغذ نازی پیچیده و با پست برایم فرستاده که هنوز هم ناشناس می‌باشد. دو نفر از دوستان بسیار عزیز و نزدیک من هدایای ظریفی به شکل «پر» برایم تهیه و ارسال داشتند.

یادآوری این گونه محبت‌ها به خاطر سپاسگزاری نیست، چه قلم ناتوان من از عهده‌ی ایفا برنمی‌آید، ولی این لطف و بزرگواری‌ها نشان می‌دهد که خوانندگان محترم از نقایص و معایب ترجمه چشم پوشیده‌اند و شاید من توانسته‌ام به وسیله‌ی راجر و ماویس نویسنده باقدردت «پر» را بشناسانم و جایی در دل خوانندگان برایش باز کنم.

میمت دانا

۱۳۳۸/۱۱/۱۵

www.ketab.ir